

الحمد لله
البرحمين!

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان

گروه حقوق - گرایش جزا و جرم‌شناسی

عنوان :

دادرسی عادلانه ناظر به اطفال و نوجوانان بزهکار
در آیین دادرسی کیفری ایران و اسناد بین‌المللی

از :

ابوذر شریف‌پور اصل اطاقوری

استاد راهنما :

دکتر مجتبی جانی‌پور

استاد مشاور :

حجت الاسلام دکتر حسن شاه‌ملک پور

شهریورماه ۱۳۹۰

تقدیم به :

پدر و مادر مهربانم

آنان که آموختند به من آنچه را که نمی دانستم

و

همسرفداکارم

به پاس زحمات بی دریغشان

سپاسگزاری

نام نیک رفتگان ضایع مکن تا بماند نام نیکت ماندگار

نگارش این پایان‌نامه، مرهون لطف و بزرگواری عزیزانی است که بدون مشایعت و همراهی ایشان، این کار به بار نمی‌نشست. بدین جهت، به حسب وظیفه بر خود فرض می‌دانم تا مراتب تقدیر و امتنان خویش را به شرح ذیل، از مساعدت‌های خالصانه و بی‌دریغ همراهان این تلاش ابراز دارم:

استاد محترم و فرزانه جناب آقای دکتر مجتبی جانی‌پور که زحمت راهنمایی و نظارت علمی بر این تحقیق را با صبر و حوصله و راهنمایی‌های دقیق، مستمر و ارزنده خویش به اتمام رساندند.

استاد محترم جناب آقای شاه‌ملک پور که زحمت مشاوره و نظارت بر روند نگارش این پایان‌نامه را تقبل فرمودند. در خاتمه نیز از سایر اساتید، دوستان و همکاران گرامی و سایر عزیزانی که بنده را از مراحل آغازین تحقیق تاکنون یاری رسانده‌اند و با راهنمایی‌های مفید و ارزنده‌ی خویش، بنده‌ی حقیر را بی‌بهره نگذاشتند، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

چکیده

عنوان: دادرسی عادلانه ناظر به اطفال و نوجوانان بزهکار در آیین دادرسی کیفری ایران و اسناد بین‌المللی

نام دانشجو: ابوذر شریف‌پور اصل اطاقوری

اطفال و نوجوانان به لحاظ سنی و شخصیتی در برابر وقایع اجتماعی، از جمله انحراف و بزهکاری، آسیب‌پذیرتر از دیگران‌اند و زمانی که مرتکب جرم می‌شوند، از نظر حقوقی در مقاطع سنی خاصی تا اندازه‌ای تابعان حقوق کیفری به شمار می‌روند و به لحاظ ارتکاب جرمشان باید مشمول ضمانت اجرای کیفری باشند، بنابراین در این فرآیند باید مشمول حمایت‌های حقوقی واقع شوند و سیاست افتراقی در دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار اتخاذ گردد.

در این راستا، لایحه‌ی قانون رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان که در حال گذراندن فرآیند تصویب می‌باشد و هنوز به صورت قانون لازم‌الاجرا در نیامده است، می‌تواند در شناخت و معرفی دادرسی عادلانه نسبت به اطفال و نوجوانان بزهکار با راهکارهای جدید و اتخاذ روش‌های مؤثرتر کمک شایان ذکری بنماید و در شکل رسیدگی و نهادهای مربوط به رسیدگی اطفال و نوجوانان نوآوری‌های متنوعی ارائه نموده است که در پایان‌نامه حاضر به تشریح هر یک از ویژگی‌های دادرسی عادلانه پرداخته شده است.

قوانین کیفری شکلی راجع به کیفیت جرم، تعقیب متهمان، تحقیقات مقدماتی جرائم، نحوه‌ی محاکمه، سازمان و صلاحیت مراجع قضایی، طرق شکایت از آراء کیفری و چگونگی اجرای احکام جزایی است که مقنن با لحاظ اصول دادرسی عادلانه و منطبق با دستاوردهای کنوانسیون حقوق کودک و اسناد بین‌المللی سازمان ملل متحد در زمینه‌ی دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار، باید منافع عالی‌ی کودک و نوجوان را رعایت نماید، لذا بررسی اسناد سازمان ملل متحد و قوانین کیفری ایران در این زمینه می‌تواند در جهت اصلاح قوانین موجود در مورد دادرسی اطفال بزهکار و نظام عدالت ویژه کودکان، مؤثر واقع شود.

کلید واژه: بزهکاری، اطفال و نوجوانان، بزهکار، رسیدگی و دادرسی عادلانه، لایحه قانون رسیدگی به جرایم اطفال

نوجوانان، قوانین و مقررات کیفری ایران، اسناد بین‌المللی، سازمان ملل متحد.

Abstract

Children and young adults in the age and personality to social events, including deviation and crime, injurier than the other and when they committed a crime, learn by legal in some special age levels are counted as the penal code followers and because of committing crime should be subject to guarantee punishment performances, so in this process should be subject to legal supports and to adopt politics in tentative diagnosis in the trial children and teenagers.

In this direction, the bill to investigate the children and young adults crimes, who are passing the legislatic process and still is not in the enforceable law, can be hasten remarkable help in introduced and recognizing a fair hearing about the criminal children and teenagers with get to adopt new strategies and methods, in the from of investigating and organizations related to children and teenagers produce variety innovation that are paid to explain the characteristics of a fair trial in this thesis.

The procedure penal code is about the quality of crime, pursue the suspects, preliminary research of crimes, the method trial, the judicial authorities and organization competence, complained of punishment votes and the enforcement of the penal code that legislature should be procedure interests Top drawer children and teenagers in fair hearing elements and in accordance with the achievements of children's rights convention and the international children and teenagers, therefore, studying the documents of the united nations and the penal code of Iran can be effective to reform the existing laws in the trial of criminal children and justice system of especial of the children.

Keywords : crime, children and young adults, the criminal law and regulations of Iran, international document, the united nations.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۱	۱- طرح موضوع
۲	۲- سؤالات پژوهش
۳	۳- فرضیه‌های پژوهش
۳	۴- پیشینه‌ی پژوهش
۳	۵- هدف پژوهش
۴	۶- روش پژوهش
۴	۷- ساختار پژوهش

فصل اول : تبیین مفاهیم، پیشینه و اصول دادرسی عادلانه

۷	۱-۱ مبحث اول : مفاهیم
۷	۱-۱-۱ گفتار اول : دادرسی
۹	۲-۱-۱ گفتار دوم : عادلانه
۱۱	۳-۱-۱ گفتار سوم : بزهکاری
۱۳	۴-۱-۱ گفتار چهارم : طفل و نوجوان
۱۵	۲-۱ مبحث دوم : پیشینه
۱۵	۱-۲-۱ گفتار اول : دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان در ادوار قدیم
۱۵	۱-۲-۱-۱ دوران باستان
۱۷	۲-۱-۲-۱ ادیان الهی
۱۹	۲-۲-۱ گفتار دوم : دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان در حقوق معاصر
۱۹	۱-۲-۲-۱ ایران
۲۲	۲-۲-۲-۱ سایر کشورها
۲۴	۳-۱ مبحث سوم : اصول دادرسی
۲۵	۱-۳-۱ گفتار اول : اصل علنی بودن دادرسی
۲۶	۲-۳-۱ گفتار دوم : اصل برابری (دادستان و متهم)
۲۷	۳-۳-۱ گفتار سوم : اصل سریع بودن دادرسی
۲۸	۴-۳-۱ گفتار چهارم : اصل محاکمه‌ی حضوری

فصل دوم : نوآوری‌های رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان

- ۱-۲-۱-۲ مبحث اول : ترتیب رسیدگی و صدور حکم اطفال و نوجوانان بزهکار ۳۲
- ۱-۲-۱-۲-۱ گفتار اول : ترتیب دادرسی ۳۳
- ۱-۲-۱-۲-۱-۱ حضور طفل در دادگاه ۳۴
- ۱-۲-۱-۲-۱-۲ حضور والدین و یا سرپرست قانونی ۳۴
- ۱-۲-۱-۲-۱-۳ وکیل مدافع ۳۵
- ۱-۲-۱-۲-۱-۴ مشاور ۳۶
- ۱-۲-۱-۲-۲ گفتار دوم : آراء دادگاه‌ها و مقامات صلاحیتدار ۳۶
- ۱-۲-۱-۲-۳ گفتار سوم : طریقه‌ی اعتراض برقرارها و احکام ۳۹
- ۲-۲-۱-۲ مبحث دوم : نوآوری‌های شکلی لایحه‌ی قانون رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان ۴۰
- ۱-۲-۲-۱ گفتار اول : سازمان و تشکیلات ۴۱
- ۱-۲-۲-۱-۱ دادرسی اطفال و نوجوانان ۴۱
- ۱-۲-۲-۱-۱-۱ نقش دادستان ۴۲
- ۱-۲-۲-۱-۱-۲ ماهیت دادرسی ۴۳
- ۱-۲-۲-۱-۱-۳ حدود صلاحیت دادرسی ۴۳
- ۱-۲-۲-۱-۲ دادگاه‌های اطفال و نوجوانان ۴۴
- ۱-۲-۲-۱-۲-۱ دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان ۴۴
- ۱-۲-۲-۱-۲-۲ دادگاه کیفری استان ویژه اطفال و نوجوانان ۴۶
- ۱-۲-۲-۲ گفتار دوم : تشریفات رسیدگی ۴۷
- ۱-۲-۲-۲-۱ دادرسی ۴۸
- ۱-۲-۲-۲-۱-۱ واگذاری تحقیقات مقدماتی به دادرسی و منع دخالت ضابطین دادگستری ۴۸
- ۱-۲-۲-۲-۲ اختیار موقوف یا معلق نمودن تعقیب در جرایم سبک به دادرسی ۴۹
- ۱-۲-۲-۲-۳ قابل گذشت دانستن کلیه‌ی جرایم تعزیری و بازدارنده اطفال و نوجوانان ۵۰
- ۱-۲-۲-۲-۴ رفع آثار کیفری از محکومیت اطفال و نوجوانان ۵۰
- ۱-۲-۲-۲-۲ (ب) دادگاه ۵۱
- ۱-۲-۲-۲-۲-۱ الزامی نمودن حضور وکیل در رسیدگی به جرایم سنگین ۵۱
- ۱-۲-۲-۲-۲-۲ اجازه دخالت ولی یا سرپرست قانونی در روند رسیدگی ۵۲
- ۱-۲-۲-۲-۳ اعطای اختیار موقوف یا معلق نمودن تعقیب اطفال و نوجوانان ۵۳
- ۱-۲-۲-۲-۴ اجازه تعویق صدور رأی به دادگاه ۵۴

فصل سوم : آیین دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان بزهکار در ایران و اسناد بین‌المللی

- ۱-۳-۱ مبحث اول : مرحله‌ی قبل از محاکمه ۵۷

۵۷ ۱-۱-۳ گفتار اول : کشف جرم
۵۹ ۲-۱-۳ گفتار دوم : تحقیقات مقدماتی
۶۲ ۲-۳ مبحث دوم : مرحله‌ی محاکمه و دادرسی
۶۲ ۱-۲-۳ گفتار اول : عدم توقیف طفل ضمن محاکمه
۶۴ ۲-۲-۳ گفتار دوم : غیرعلنی بودن محاکمه طفل
۶۵ ۳-۲-۳ گفتار سوم : تشکیل پرونده شخصیت
۶۷ ۴-۲-۳ گفتار چهارم : تغییر مسیر و توقف دادرسی
۷۰ ۳-۳ مبحث سوم : مرحله‌ی تصمیم‌گیری و اتخاذ تدابیر
۷۰ ۱-۳-۳ گفتار اول : نحوه‌ی تصمیم‌گیری در خصوص طفل بزهکار
۷۱ ۱-۱-۳-۳ الف) واکنش متناسب با اوضاع و احوال حاکم بر جرم
۷۲ ۲-۱-۳-۳ ب) واکنش متناسب با سنگینی جرم
۷۴ ۳-۱-۳-۳ ج) واکنش متناسب با منافع طفل و نیاز جامعه
۷۵ ۲-۳-۳ گفتار دوم : اتخاذ تدابیر توسط مراجع صلاحیتدار
۷۵ ۱-۲-۳-۳ الف) انواع تدابیر
۷۶ ۱-۱-۲-۳-۳ تصمیمات غیرنهادی
 ۱-۱-۲-۳-۳ سپردن طفل به والدین یا سرپرست قانونی جهت حمایت
۷۶ و نظارت
۷۷ ۲-۱-۱-۲-۳-۳ قرار آزادی توأم با مراقبت و راهنمایی
۷۸ ۳-۱-۱-۲-۳-۳ جبران خسارت مادی
۷۹ ۴-۱-۱-۲-۳-۳ الزام به اشتغال به کارهای عام المنفعه
۸۰ ۲-۱-۲-۳-۳ تصمیمات نیمه نهادی
۸۱ ۳-۱-۲-۳-۳ تصمیمات نهادی
۸۳ ۲-۲-۳-۳ ب) آثار تدابیر
۸۶ نتیجه‌گیری و پیشنهادها
۸۹ فهرست منابع و مأخذ

۱- طرح موضوع

کودکی دوران پایه گذاری شخصیت انسان است و طفل در دنیای امروز از جایگاه فردی ویژه‌ای برخوردار می‌باشد و به عنوان یک موجود انسانی کامل و مستقل از بزرگسالان، شخصیت، روان و جسم وی در حال شکل گیری و رشد است، لذا به همین لحاظ در برابر بزهکاری، کژمداری و بزه دیدگی از دیگر افراد جامعه آسیب پذیرتر می‌باشد.

اطفال در مقاطع سنی خاصی مشمول قواعد حقوق کیفری می‌باشند و از این رو در مقابل اعمالی که برخلاف قانون انجام می‌دهند دارای مسئولیت کیفری هستند و همچنین حد فاصل بین سن بلوغ طفل و سن مسئولیت کیفری تام، بهترین زمان برای ارایه‌ی اقدامات اصلاحی و تربیتی است، از طرفی دیگر ناتوانی جسمانی و عقلانی اطفال ایجاب می‌کند که قانونگذار حمایت‌های حقوقی خاص خود را نسبت به آنان روا دارد. تبلور این حمایتها را به ویژه در مرحله‌ی دادرسی می‌توان مشاهده کرد، اگرچه در حال حاضر برخورداری متهمین از دادرسی عادلانه در حقوق غالب کشورها به عنوان اصل مسلمی پذیرفته شده است اما تضمین این اصل در مورد اطفال بزهکار به لحاظ ویژگی‌هایی که در آنها وجود دارد بیشتر مورد توجه است.

در این راستا، رعایت دادرسی عادلانه در مورد اطفال بزهکار نیازمند یک سیاست افتراقی و متفاوت در مقایسه با بزهکاران بزرگسال می‌باشد و پیش‌بینی تشکیلات خاص همراه با تشریفات ویژه رسیدگی به بزه کودکان در حقوق کیفری شکلی نشانگر به رسمیت شناختن نظام عدالت ویژه کودکان است.

در ایران پس از قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ که طی چند ماده به بیان نحوه‌ی دادرسی اطفال نابالغ و اطفال ممیز پرداخت اولین قانون مربوط به تشکیل دادگاههای اطفال بزهکار در سال ۱۳۳۸ به تصویب رسید و مورد توجه دادگاهها و استناد احکام آنها قرار گرفت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، قانونگذار با الگوپذیری از حقوق اسلامی با اتخاذ شیوه‌ای جدید در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ رویکرد جدیدی را نسبت به بزهکاری اطفال و نوجوانان نشان داده است، اما اهمیت توجه به اطفال و نوجوانان بزهکار و دادرسی عادلانه نسبت به آنان اقتضای آن را داشت که یک قانون مستقل در رابطه با نحوه‌ی رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان با راهکارهای جدید و اتخاذ روش‌های مؤثرتر به تصویب برسد که این اندیشه

باعث ارائه لایحه قانون رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان گردید.

لایحه قضایی «رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان» که چند سالی است فرآیند تصویب را می‌گذراند و تا به حال تصویب نشده است دارای نوآوری‌های شکلی مربوط به سازمان و تشکیلات قضایی رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان و همچنین تشریفات رسیدگی از جمله پیش بینی داسرا و دادگاههای ویژه اطفال و نوجوانان، واگذاری تحقیقات مقدماتی به داسرا و منع دخالت ضابطین دادگستری، قابل گذشت دانستن کلیه جرایم تعزیری و بازدارنده اطفال و نوجوانان، رفع آثار کیفری آنان، الزامی نمودن حضور وکیل در جرایم سنگین و اجازه تعویق صدور رأی دادگاه و... است می‌تواند معرف برخی معیارها و ملاک‌های شیوه‌ی رسیدگی عادلانه اطفال بزهکار باشد.

در بعد بین‌المللی نیز، سازمان ملل متحد از سال ۱۹۵۹ تاکنون، اسناد متعددی را در قالب اعلامیه، قطعنامه و معاهده به طور اختصاصی و تفصیلی به کودکان و نوجوانان ناسازگار و بزهکار اختصاص داده است و سیاست جنایی افتراقی سازمان ملل متحد در قبال اطفال بزهکار غیرقابل انکار است. بنابراین جهت تشریح دادرسی عادلانه در تمامی مراحل رسیدگی می‌توان از اسناد بین‌المللی سازمان ملل متحد همچون «کنوانسیون حقوق کودک»، «قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه‌ی نوجوانان» یا «قواعد پکن» و «استانداردهای سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی» بهره گرفت. لذا تشکیل پرونده شخصیت، غیرعلنی بودن محاکمه، قابل انعطاف بودن دادرسی، تنوع تدابیر و پاسخ‌ها که ویژگی‌های بارز آن‌ها پرورشی، امدادی، حمایتی، مراقبتی و نظارتی بودن آن‌هاست، از جمله خصوصیات مهم حقوق کیفری اطفال در این اسناد محسوب می‌شود.

۲- هدف پژوهش

از آنجایی که سهم بسزایی از بافت جمعیتی ایران را افراد زیر ۱۸ سال تشکیل می‌دهد و مسئله انحراف و بزهکاری این قشر در کشور ما نیز حاد است، از این رو تلاشی که محصول آن را در پیش رو دارید با این هدف آغاز شده و به انجام رسیده است که با مطالعه‌ی ویژگی‌های دادرسی منصفانه به صورت تطبیقی در قوانین ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به حقوق کودک، جایگاه ایران را در رعایت اصل دادرسی منصفانه نسبت به اطفال بزهکار مشخص نماید و همچنین در پی ارائه‌ی پیشنهادات و راه‌حل‌هایی باشیم تا قانونگذار بتواند با استفاده از آنها شیوه‌ی ای از دادرسی را در

مورد اطفال بزهکار به کارگیرد که کمترین آسیب متوجه اطفال بزهکار شده و به فرآیند اصلاح و بازپروری آنها کمک نماید.

۳- سؤالات پژوهش

سؤالاتی که این پایان نامه در راستای پاسخگویی به آن تدوین گردیده؛ عبارتند از :

- ۱- ترتیب رسیدگی و صدور حکم عادلانه اطفال و نوجوانان بزهکار به چه شکلی می باشد؟
- ۲- میزان انطباق دادرسی اطفال بزهکار در آیین دادرسی کیفری ایران با شیوه های دادرسی مندرج در اسناد بین المللی مربوط به حقوق کودک چگونه است؟

۴- فرضیه های پژوهش

فرضیه های مطرح شده در این پایان نامه که در صدد اثبات آن هستیم عبارتند از :

- ۱- پس از خاتمه ی تحقیقات مقدماتی، مراجع صلاحیت دار با رعایت اصول دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار، با تشکیل جلسه ای با حضور طفل، والدین یا سرپرست قانونی، وکیل مدافع، مشاورین و متخصصین، تصمیمات لازم را منطبق با شخصیت طفل یا نوجوان اتخاذ و حکم صادر می کنند.
- ۲- آنچه مسلم است اینکه مقررات مربوط به دادرسی اطفال در آیین دادرسی کیفری ایران در بسیاری از موارد منطبق، هماهنگ و همسو با شیوه های دادرسی مندرج در کنوانسیون های بین المللی در مورد اطفال بزهکار است.

۵- پیشینه پژوهش

اگرچه در خصوص موضوع پایان نامه یعنی «دادرسی عادلانه ناظر به اطفال و نوجوانان بزهکار در آیین دادرسی کیفری ایران و اسناد بین المللی» تاکنون پایان نامه ای یافت نشده است؛ لیکن در خصوص موضوعات مرتبط و نزدیک با موضوع پایان نامه ی حاضر، کتابها و مقالاتی تألیف و نگارش شده است که در این پایان نامه از آنها بهره گیری شده و در فهرست مراجع و مآخذ هم عناوین آنها ذکر گردیده است.

همچنین پایان‌نامه‌هایی نیز در این زمینه نگارش شده است که عنوان برخی از آنها عبارت است از ۱- آیین دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار در سال ۱۳۸۰، ۲- آیین دادرسی جرایم اطفال در حقوق کیفری ایران و مقایسه آن با کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۳۸۴ و ...

علیهذا اگر چه پژوهش‌های ارزشمندی در این حوزه از حقوق صورت پذیرفته است لیکن اهمیت موضوع بزهکاری اطفال و رعایت حقوق آنها به واسطه‌ی تفاوتی که در شرایط جسمی، روحی و روانی با بزهکاران بزرگسالان دارند، مطالعه و تحقیق بیشتر در مورد این قشر را توجیه می‌نماید.

۶- روش پژوهش

روش انجام پژوهش، توصیفی - تحلیلی می باشد و تبیین مفاهیم، پیشینه و اصول دادرسی عادلانه نیز جنبه توصیفی دارند. به همین منظور، برای انجام کار با مراجعه ی مکرر به مراکز دانشگاهی و کتابخانه های معتبر، کتب مورد نیاز شناسایی و مورد مطالعه قرار گرفت. متعاقباً از مباحث و نکات مرتبط با پژوهش، مطالب ضروری اقتباس شده و از آنها فیش‌برداری به عمل آمد.

۷- ساختار پژوهش

برای دستیابی به اهداف پژوهش، پایان نامه ی حاضر در سه فصل تنظیم شده و هر فصل با توجه به تعدد موضوعات، مباحث مختلفی را در بر دارد :

در فصل اول نگارنده کوشیده است تا ضمن ارائه ی سه مبحث جداگانه تحت عناوین مفاهیم، پیشینه و اصول دادرسی عادلانه به تشریح محورها و مفاهیم اصلی مورد بحث در پژوهش پرداخته شود. بر همین مبنا، در مبحث نخست، مفاهیمی از قبیل دادرسی، عادلانه، بزهکاری و طفل و نوجوان مورد بررسی قرار می گیرد. در مبحث دوم نیز بنا بر ضرورت، تاریخچه ی دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان در ادوار قدیم و حقوق معاصر بیان می گردد و نهایتاً در مبحث پایانی تلاش شده است تا اصول دادرسی عادلانه و منصفانه تشریح گردد.

فصل دوم در دو مبحث جداگانه تحت عناوین : ترتیب رسیدگی و صدور حکم اطفال و نوجوانان بزهکار (مبحث

اول) و نوآوری های شکلی لایحه قانون رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان (مبحث دوم) مطرح می گردد. در این راستا، مبحث نخست به بررسی ترتیب دادرسی، آراء دادگاهها و مقامات صلاحیت دار و طریقه ی اعتراض بر قرارها و احکام پرداخته شده است و در مبحث دوم نیز سعی برآن بوده است تا ویژگیها، راهکارها و نوآوریهای لایحه مذکور در مورد سازمان و تشکیلات قضایی اطفال و نوجوانان و تشریفات رسیدگی به آن بیان گردد.

فصل سوم نیز جهت تکمیل مباحث پیشین تحت عنوان آیین دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان بزهکار در ایران و اسناد بین المللی می باشد که در سه مبحث مجزا به توصیف تمامی مراحل دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار در آیین دادرسی کیفری ایران و اسناد بین المللی به صورت توصیفی - تحلیلی می پردازد. مبحث اول در صدد است مرحله قبل از محاکمه در دو گفتار کشف جرم و تحقیقات مقدماتی تشریح شود و در مبحث دوم شیوه های دادرسی عادلانه همچون عدم توقیف طفل ضمن محاکمه، غیر علنی بودن محاکمه، تشکیل پرونده شخصیت و تغییر مسیر و توقف دادرسی مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. مبحث اخیر نیز به تصمیم گیری و اتخاذ تدابیر در حقوق ایران و اسناد بین المللی پرداخته می شود و برای دستیابی به این هدف سعی شده است نحوه تصمیم گیری در خصوص طفل بزهکار، انواع تدابیر و آثار آن از سوی مراجع صلاحیت دار تشریح گردد.

فصل اوّل :

تبيين مفاهيم، پیشینه و اصول دادرسی عادلانه

این فصل در سه مبحث مجزاً، تحت عناوین مفاهیم (مبحث اول)، پیشینه (مبحث دوم) و اصول دادرسی عادلانه (مبحث سوم)؛ ارائه می‌گردد. بر همین مبنا، در مبحث نخست مفاهیمی همچون دادرسی، عادلانه، بزهکاری و طفل و نوجوان از نظر لغوی و اصطلاحی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مبحث دوم نیز، بنابر ضرورت تاریخیچه دادرسی ویژه اطفال و نوجوان به ترتیب در ادوار قدیم و حقوق معاصر مطرح می‌گردد. این بررسی تاریخی در ادوار قدیم شامل دو قلمرو زمانی می‌گردد: یکی دوران باستان و دیگری ادیان الهی. دادرسی اطفال و نوجوانان در حقوق معاصر ایران و سایر کشورها نیز مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد تا چگونگی شیوه‌ی دادرسی اطفال و نوجوانان در کشورها نیز مشخص گردد. در مبحث پایانی نیز به تشریح اصول شکلی دادرسی عادلانه مبادرت می‌ورزد تا در صورت عدم وجود قاعده‌ی خاص، متناسب با وضعیت‌های عینی، منشأ استنتاج و استخراج قواعد و قوانینی گردند که قابل اعمال بر آن وضعیت‌ها باشند، همچنین راهنمای تفسیر و اجرای قواعد و حقوق و تعهدات ناشی از آنها هستند، لذا اصول شکلی ناظر به اصولی است که به واسطه‌ی جریان دادرسی ضرورت و موضوعیت پیدا می‌کند و بیشتر به نحوه‌ی هدایت و اداره محاکمه مربوط است و اتخاذ تدابیر و اقداماتی شکلی را ایجاب می‌کند مانند اصل علنی بودن دادرسی، برابری سلاحها، تسریع دادرسی و محاکمه حضوری.

۱-۱ مبحث اول: مفاهیم

این مبحث به چهار گفتار تقسیم می‌گردد: در گفتار اول، دادرسی؛ گفتار دوم، عادلانه؛ گفتار سوم، بزهکاری و گفتار چهارم، طفل و نوجوان به تبیین مفهوم لغوی و اصطلاحی آن‌ها پرداخته خواهد شد تا با ارائه مفاهیم اصلی و واژه شناسی آنها، موضوع مورد نظر تبیین و محورهای اساسی بحث تشریح گردد.

۱-۱-۱ گفتار اول: دادرسی

سه واژه «دادرسی»، «محاکمه» و «trial» که به ترتیب واژه‌های فارسی، عربی و انگلیسی هستند در اصطلاح حقوقی معادل یکدیگر به کار برده می‌شوند، در معنای لغوی متفاوت به نظر می‌رسند. واژه فارسی «دادرسی» مرکب از دو کلمه «داد» و «رسی» است که نخستین آن به معنای عدل و انصاف و دومی به معنای رسیدن و رسیدگی کردن است. پس

دادرسی یعنی به داد کسی رسیدن یا به داد خواهی کسی رسیدگی کردن است. (عمید، ۱۳۶۳ : ۲۱۸۸) بنابراین واژه «دادرسی» خود رسیدگی به عدل و داد را افاده می‌کند.

اما کلمه «محاكمه» که مصدر باب مفاعله از ریشه «حکم» یعنی قضاوت و فصل خصومت است، به معنای خواندن یکی دیگری را به نزد حاکم وقاضی و یا تخاصم طرفین در نزد قاضی می‌آید. (معلوف، ۱۳۶۲ : ۱۴۶) پس واژه «محاكمه» مفهوم عدالت را در خود ندارد و از این رو امر شده است که به عدل حکم کنید.^۱

کلمه «Trial» مصدر است که از Try گرفته شده و یکی از معانی لغوی آن سنجش، آزمون و بررسی است، و در فرهنگ قضائی مفهوم رسیدگی را افاده می‌کند که از همین معنا اقتباس شده است. در لغت هم برخی فرهنگ‌ها این کلمه را به معنای «رسیدگی رسمی به ادله در یک دادگاه قانونی، به وسیله یک قاضی و اغلب یک هیئت منصفه، برای تصمیم گیری راجع به اینکه آیا شخص متهم به یک جرم، مجرم است یا نه» معنی کرده‌اند. (Hornby, 1995 : 1275-1281) همانگونه که ملاحظه می‌شود، این تعریف ناظر بر رسیدگی کیفری است، شاید گفته شود واژه مورد بحث بیشتر ناظر بر نوع کیفری است، لیکن موضوع محاکمه اعم از کیفری و غیر کیفری است. با نظر به این مفهوم عام می‌توان «Trial» را «رسیدگی قضائی» معنا کرد.

با ملاحظه معنای واژه‌های دادرسی، محاکمه و Trial می‌توان گفت کلمه محاکمه مشعر به نتیجه است که عبارت از حکم کردن و فصل خصومت. واژه Trial به مقدمات حکم اشاره دارد که سنجش و بررسی است و البته این به منظور کشف حقیقت است و دادرسی به رسیدگی برای داد ستاندن و داد دادن دلالت دارد. پس دادرسی خود به معنای رسیدگی به عدل است اما در محاکمه و Trial چنین وصفی نهفته نیست. لیکن از آنجا که در اصطلاح «Fair Trial» که از آن به محاکمه یا دادرسی عادلانه یا منصفانه یاد می‌شود، آنچه از وصف عادلانه یا منصفانه مورد نظر است، متفاوت از مفهوم ماهوی عدل و داد است، توصیف «دادرسی» به «عادلانه» نیز متضمن تحصیل حاصل یا تکرار نیست.

در تعریفی از «Trial» چنین آمده است: «رسیدگی و تصمیم گیری قضائی درباره موضوعات میان طرفین دعوا، چه امور حکمی و چه موضوعی، در دادگاهی صلاحیتدار» و یا «رسیدگی قضایی به امور موضوعی و حکمی میان طرفین، در دعوایی مدنی یا کیفری نزد دادگاهی صلاحیتدار مطابق با حقوق کشور». (Hubert, 1990, 1504)

۱- «وَ إِذَا حُكِمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ»، سوره نساء آیه ۵۷.

در این تعریف، دادرسی با سه عنصر رسیدگی و تصمیم‌گیری قضایی، موضوع و دعوای مدنی یا کیفری و دادگاه صلاحیتدار معرفی شده است. اندکی توضیح پیرامون این عناصر به روشن شدن ابعاد و زوایای مفهوم محاکمه یاری خواهد کرد.

رسیدگی و تصمیم‌گیری قضایی را می‌توان چنین تعریف کرد: بررسی و سنجش رفتار نسبت داده شده به شخص بر اساس قوانین و موازین حقوقی و صدور رأی الزام آور دایر بر عدم اثبات انتساب رفتار مورد بحث به شخص خوانده یا متهم، و یا عدم مغایرت آن رفتار با قوانین و موازین حقوقی (برائت، رد دعوا) و یا مغایرت آن با قانون و محکومیت او به جبران خسارت (آثار نقض قانون) و یا تحمل کیفر.

موضوع رسیدگی قضائی ادعا یا اتهام نقض هنجارهای حقوقی جامعه است. حال اگر قاعده‌ای که نقض آن مورد ادعاست از نوعی باشد یا نقض ادعا به نحوی باشد که تنها موجب زیان و خسارت به شخص یا اشخاص معینی شده و یا قانونگذار صرفاً جبران خسارت وارده بر زیان دیده خصوصی را قابل مطالبه بداند، دعوایی مدنی خواهد بود. اما چنانچه برای نقض آن قاعده علاوه بر لزوم جبران خسارت، مجازات هم پیش‌بینی شده باشد تصمیم‌گیری راجع به بعد اخیر آن، موضوع دعوایی کیفری خواهد بود.

مرجع صلاحیت‌دار نیز مقامی است که در اصطلاح، دادگاه یا دیوان دادگستری نامیده می‌شود و دارای تشکیلات و آئین‌های دائمی از پیش تأسیس و تعیین شده است و صلاحیت رسیدگی به دعاوی و شکایات عمومی را دارد. گاه مرجع رسیدگی کننده، دیوان داوری است که نهادی موردی است، گاهی برای رسیدگی به پاره‌ای قضایای کیفری خاص، دادگاه یا دیوانی ویژه و موقت تأسیس می‌گردد که تنها صلاحیت رسیدگی به جرائم واقع شده در مقطعی خاص و یا در قلمرو جغرافیایی معینی را دارد و گاهی نیز مراجع صلاحیت‌دار در نظام‌های ملی و خاص بین‌المللی وجود دارند که با تشکیلات و تشریفات از پیش تعیین شده و دائمی، به تخلفات اداری و انتظامی رسیدگی می‌کنند.

۱-۱-۲ گفتار دوم: عادلانه

عادلانه یا منصفانه معادل واژه «Fair» به کار برده می‌شود، که در لغت به معنای «رفتار برابر و مطابق با قواعد و حقوق هر شخص یا طرف» آمده است و نیز به معنای «معقول و عادلانه یا متناسب با شرایط» است، مانند آنجا که وصف معامله، سهم، دستمزد، قیمت و مانند آن واقع می‌شود. (دهخدا، ۱۳۴۵: ۱۲۷۹)

در ادبیات قضائی، این واژه به معنای داشتن وصف بی طرفی و درستی، آزادی از تعصب و جانبداری و نفع شخصی، عادلانه، منصفانه، غیر جانبدارانه و برابری میان طرفین منازعه، به کار برده می‌شود. این صفت در عبارت «ادارسی عادلانه» نیز بر همین معانی دلالت دارد. (Hubert, 1990 : 595)

اما همانطور که می‌دانیم واژه‌های Equitable , Just نیز به عادلانه و منصفانه معنا می‌شوند. آیا بین مفاهیم این واژه‌ها و مفهوم واژه Fair تفاوت و تمایزی وجود دارد؟

در کاربردهای عمومی و غیرفنی، این کلمات به طور معمول به جای یکدیگر استعمال می‌شوند. در فرهنگ لغت نیز اغلب دیده می‌شود که هر یک در بیان معنای دیگری به کار رفته است و مترادف یکدیگر تلقی می‌شوند. لیکن به رغم این مترادف و تعادل معنوی، در متون فنی حقوقی و قضایی هر یک بر جلوه‌ای از آن معنا دلالت دارد.

در بیان مفاهیم عدالت و انصاف ملاحظه می‌شود که این دو، امروزه در نظام حقوقی مفاهیمی متمایز از یکدیگر شناخته می‌شوند. عدالت از زمان ارسطو تا کنون به دو نوع «توزیعی» و «اصلاحی» تقسیم شده و به این ترتیب در فرآیندهای قانون گذاری و قضاوت به منزله‌ی یک ارزش، ملاک عمل بوده است. عدالت توزیعی یعنی اینکه قانون، حقوق و تکالیف را به طور منصفانه توزیع می‌کند و این همان عدالت ماهوی است. پس قانون نماد عینی عدالت حقیقی یا ماهوی است و عدالت میزان قانون است. به بیان دیگر قانون یک صورت دارد و یک روح، هرگاه این صورت از روح فاصله بگیرد باید دست از صورت برداشت. اگر در عمل به لحاظ شرایط و خصوصیات مورد، التزام به ظاهر قانون نتیجه‌ای غیر عادلانه بدهد وظیفه مجری (قاضی) است که آن را تعدیل کند و فاصله قانون و عدالت را برطرف کرده یا حتی الامکان از آن بکاهد، و این به کار بستن انصاف است، پس انصاف همان روح قانون است. (Cassese, 1997 : 602)

می‌توان گفت در عدالت ماهوی، عدالت میزان قانون است. از این رو هرگاه قانون در مورد جزئی، نتیجه‌ای غیر عادلانه بدهد باید اصلاح شود. ولی در عدالت شکلی، قانون میزان عدالت است. به تعبیری عدالت شکلی متشکل از معیارهای ثانوی است، لیکن این قواعد ثانوی تعیین کننده مشروعیت و اعتبار آن قواعد اولی است.

قواعد شکلی نظم معقولی را بر فرآیند تقنین و قضا حاکم می‌کنند تا از دامنه‌ی اعمال سلیقه‌ها کاسته و رعایت عدالت و انصاف را تضمین کنند. با این وصف قواعد مربوط به عدالت ماهوی تغییر طلب هستند اما قواعد عدالت شکلی ثبات طلبند.

۳-۱-۱ گفتار سوم : بزهکاری

بزهکاری و جرم، از واژه‌هایی است که تعاریف مختلفی از آن به عمل آمده و با توجه به عوامل مختلف بزهکاری تعابیر متنوعی از آن، تبیین گردیده است که به برخی از آنها می‌پردازیم.

به عقیده جرم‌شناسان، هر فعل یا ترک فعلی که برای اکثریت افراد در یک جامعه خطرناک باشد، بزه نامیده می‌شود. (دانش، ۱۳۶۹ : ۴۸)

به نظر جامعه‌شناسان هر فعلی که حالات قوی و مشخص وجدان جمعی را مورد تعرض قرار دهد، مجرمانه است. (اردبیلی، تقریرات : ۱۳۷۵-۷۶) و از دیدگاه روانشناسان بزهکاری یک پدیده زیستی - روانی - اجتماعی است. بر حسب گزارش سازمان ملل متحد عوامل بزهکاری عبارت است از فقر، برخی مشکلات و اوضاع ناپه‌نچار خانوادگی، وراثت و...، که تعریف اخیر نیز بر طبق همین عوامل بزهکاری صورت گرفته است. (حکمت، ۱۳۷۱ : ۳۲۳)

بزهکاری گاهی سوءرفتار است ولی همه‌ی افرادی که رفتارهایی سوء مرتکب می‌شوند، بزهکار نیستند. کیفیت رفتار و حدود انحراف اجتماعی عواملی هستند برای قضاوت اینکه فرد، بزهکار است یا بیمار روانی. بعضی سوء رفتارها غیر قانونی است و بعضی غیر اخلاقی، ولی همه‌ی رفتارهای غیر قانونی، غیر اخلاقی نیستند. توجه به اختلاف در رفتار غیرقانونی و غیراخلاقی حائز اهمیت بوده و برای تعریف بزهکاری نیز لازم است.

بزهکاری در معنا و مفهوم لفظی عبارت است از ترک انجام وظیفه قانونی و یا ارتکاب عمل خطایی که لزوماً عنوان جرم ندارد، باین وجود این اصطلاح غالباً معادل جرم و بویژه در ارتباط با جرایم ارتكابی از سوی اطفال و نوجوانان به کار می‌رود. بزهکاری اطفال در معنای متداول و غیر حقوقی آن، شامل رفتارهایی از قبیل مدرسه‌گریزی یا فرار از کنترل والدین می‌گردد که در یک فرد بالغ، مجرمانه تلقی نمی‌شود. (ابرنادادی و هاشم بیگی، ۱۳۷۷ : ۱۱۹)

سازمان ملل متحد اصطلاح بزهکاری را تعریف ننموده و از واژه جرم استفاده کرده است و اذعان داشته که جرم عبارت است از هرگونه عملی (فعل یا ترک فعل) که قانوناً در نظام حقوقی قابل مجازات باشد. در صورتی که بزهکاری، یعنی تفسیر بزهکاری به عنوان یک پدیده کلی (مجموع جرایم ارتكابی در زمان و مکان معین). (انتف، ۱۳۷۵ : ۱۲۸)

از نظر حقوقی جرم دو تعریف دارد : طبق تعریف نخست آنچه که قانون آن را جرم بداند جرم است. و طبق تعریف